

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی» و داکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی»
۲۷ جنوری ۲۰۱۶

تدریج در تشریح حکم زنا!

تعداد کثیری از مفسرین اسلام بدین باور اند که تعیین عقوبت و جزاء برای عمل زنا در شریعت اسلامی به صورت تدریجی مانند حکم خمر (شراب) مورد تشریح و تطبیق قرار گرفته است.

تدریج در تشریح اصل حقوقی اسلامی است که شارع در دین اسلام اولاً اجتماع و امت اسلامی را برای تغییر و قبول احکام الهی به تدریج آماده کرده است.

از جمله موضوع تحریم مشروبات الکلی طوری که اول آن را به مثابه یک نوشیدنی نامطلوب در نقطه مقابل رزقاً حسناً مطرح نموده. طوری که در (سوره نحل آیت ۶۷) می فرماید :

«و من ثمرات النخيل و الاعناب تتخذون منه سكرًا و رزقا» (و هم از میوه های درخت خرما و انگور که از نوشابه های شیرین و رزق حلال نیکو به دست آرند).

و سپس در (آیت ۴۳ سوره نساء) بر طبق همان تدریجی نازل شدن حکم به مسلمانان هدایت می فرماید : در صورتی که شما مست هستید نماز نخوانید «یا ایها الذین امنوا لاتقربوا الصلوة و انتم سکران» (ای اهل ایمان هرگز در حال مستی به نماز نیائید تا بدانید چه می گوئید و چه می کنید).

فلسفه عدم تقرب به نماز در حال مستی و نشئه معلوم است ، زیرا صحبت بنده و راز و نیاز او با الله است و باید این صحبت و این راز و نیاز در نهایت هوشیاری ، دقت و اخلاص مندی خاصی صورت گیرد، و واضح است اشخاصی که مست و خمار باشند، از این اتصال و از دست یابی به این مرحله دور و بیگانه اند .

پروردگار با عظمت ما بعد از وضع این قانون، قدم فراتری برداشته و در (آیت ۲۱۹ سوره بقره) نه به صورت کنایه بلکه به صورت واضح مسأله شراب و قمار را مطرح و می فرماید : «یسنلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما» (ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار می پرسند بگو: در این دو کار ، گناه بزرگی است و سودهایی ، ولی زیان و گناه آن دو بیش از منفعت آن است)

در مسأله زنا نیز مفسرین به استنباط مشابه دست یافته و در تغییر عادات غیر شرعی مردم قبل از اسلام تدریج در تشریح مراعات گردیده و صورت گرفته است.

مفسرین می افزایند:

در بدو عقوبت زنا صرف شامل سرزنش و توبیخ شدید وضع شده بود: طوری که این فهم در (آیت ۱۶۰ سوره نساء) چنین فومولبندی گردیده است:

«وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا» (و آن مردان و زنانی که اقدام به ارتکاب آن عمل زشت می کنند، آنها را آزار دهید و اگر براست توبه کنند و اصلاح نمایند به جبران گذشته خود بپردازند، از آنها درگذرید...» .

مرحله دوم عقوبت زنا :

مرحله دوم عقوبت در عمل قبیح زنا همان حبس زنا کار در خانه می باشد. قرآن عظیم الشان در (آیت ۱۵ سوره نساء) می فرماید :

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْأَفْحَشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (و کسانی از زنان شما که مرتکب فاحشه می شوند «فاحشه: فعل ناشایست است و مراد از آن در اینجا، فعل زنا است» بر آنان چهار مرد را از جنس خویش «از مسلمانان عادل» شاهد طلبید، پس اگر «چهار مرد بر جرم آنان» شهادت دادند، آنان (زنان زنا کرده) را در خانه‌ها محبوس کنید تا آن که مرگ عمرشان را پایان دهد یا خداوند برایشان راهی مقرر کند».

امام ابن کثیر در تفسیر این آیت می فرماید:

«حکم در ابتدای اسلام اینگونه بود که هرگاه زنای زنی به وسیله شهود عادل ثابت می شد او را در خانه حبس می نمودند، و حق نداشت تا از حبس خانگی الی رسیدن مرگ، خارج گردد، تا این که مرگ به سراغش می رسید و امکان خروج از آن را نداشت تا آن که می مُرد، و برای همین فرمود: «و کسانی از زنان شما که مرتکب فاحشه می شوند»، یعنی مرتکب زنا می شوند، «چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر شهادت دادند، آنان (زنان) را در خانه ها(ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا این که خداوند، راهی برای آنها قرار دهد» پس راهی که خداوند برای آنها قرار داد ناسخ این حکم است.

ابن عباس رضی الله عنه گفته: «در آغاز اسلام، زن چون زنا می کرد، در خانه (به طور مادام‌العمر) زندانی می شد تا این که آیت مبارکه سوره نور نازل شد: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (آیت ۲ سوره نور). (هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. پس این حکم با حکم تازیانه یا رجم منسوخ شد). همچنین از عکرمه و سعید بن جبیر و حسن بصری و عطاء و خراسانی و ابوصالح و قتاده و زید بن اسلم و ضحاک روایت شده که گفتند: حکم این آیت منسوخ شده است و بر آن اتفاق هست.

امام احمد، در مسند خود از عباد بن صامت روایت کرده می فرماید :

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ أَثَّرَ عَلَيْهِ كَرَبٌ لِيَذْلِكَ، وَتَرَبَّدَ وَجْهُهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ دَاتَ يَوْمٍ، فَلَمَّا سُرِّيَ عَنْهُ قَالَ: خُذُوا عَنِّي قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا النَّيْبُ بِالنَّيْبِ، وَالْبِكْرُ بِالْبِكْرِ، النَّيْبُ جُلْدٌ مِائَةٌ وَرَجْمٌ بِالْحَجَارَةِ». یعنی : «هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم وحی نازل می شد سختی و مشقت آن (جسم) وی را فرا می گرفت، روزی خداوند بر او وحی نازل کرد و وقتی که از آنحال بیرون آمد، فرمود: بگیریذ از من (این حکمرا): به تحقیق که خداوند برای آنان راهی مقرر کرد، (آن راه این است که: مجازات زنا زنی که شوهر نکرده و مردی که زن نگرفته صد تازیانه است و مجازات زنا زنی که زن گرفته و زنی که شوهر کرده صد تازیانه و سنگسار است». مسلم و اصحاب سنن (شبهه این حدیث) را از عباد بن صامت اما از طریق دیگری روایت کردند که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خُذُوا عَنِّي قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا الْبِكْرُ بِالْبِكْرِ جُلْدٌ مِائَةٌ وَتَغْرِيْبُ سَنَةٍ وَالنَّيْبُ بِالنَّيْبِ جُلْدٌ مِائَةٌ»

وَالرَّجْمُ». یعنی: «بگیرید از من (این حکمرا): به تحقیق که خداوند برای آنان راهی مقرر کرد، مجازات زنا زنی که شوهر نکرده و مردی که زن نگرفته صد تازیانه و تبعید یک سال است و مجازات مردی که زن گرفته و زنی که شوهر کرده صد تازیانه و سنگسار است». ترمذی گفته: این حدیث حسن صحیح است». پایان کلام ابن کثیر از (تفسیر القرآن العظیم) (۲/۲۳۳).

امام قرطبی در تفسیر آیت مذکور می گوید: «این اول مجازات زناکاران بود، که در ابتدای اسلام اجراء می شد .. این را ابن عباس و حسن بصری گفتند. ابن زید گفته: مردان زناکار هم از نکاح و ازدواج منع می شدند تا مرگشان فرا می رسید، این مجازات آنها بود ... و حبس (زانیه) به اتفاق و اجماع منسوخ شده است».

ولی حکم شهادت چهار شاهد مسلمان عادل بر عمل زنا، باقی است و منسوخ نشده است. آیت مابعد آیه فوق نکته ای دارد که ذکر آن مناسب است، در ادامه می فرماید: «وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء ۱۶).

یعنی: «و آن دوکس از شما که زنا می کنند» یعنی: آن مرد و زنی که از میان مردان و زنان شما مرتکب عمل زشت زنا می گردند «پس آنان را آزار دهید» و برنجانیدشان؛ با زدن و توبیخ و سرزنش. خطاب در اینجا متوجه حکام و «اولی الامر» جامعه اسلامی است.

آری! در آغاز، حکم زن زناکار، زندانی ساختنش در خانه و آزار رساندن به وی - هر دو - بود و حکم مرد زناکار آزار رساندن او بود بدون زندان. «پس اگر توبه کردند» از فعل زنا «و به صلاح آمدند» و نیکوکاری پیش گرفتند «از» تعذیب و آزار «انان دست بردارید، زیرا خداوند توبه پذیر مهربان است».

امام ابن کثیر در تفسیر آن گفته: «ابن عباس رضی الله عنه و سعید بن جبیر و دیگران گفتند: یعنی با زشت روی و سرزنش و زدن با کفش آنها را آزار دهید، این حکم (در اوائل اسلام) همچنان پابرجا بود تا آن که خداوند آن را به وسیله رجم و تازیانه نسخ نمود ... «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا» یعنی اگر از عمل خود دست برداشتند (و توبه کردند) و اعمال خود را اصلاح نمودند «فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا» دیگر آنها را با کلام زشت سرزنش نکنید، زیرا توبه کننده بر گناه مثل کسی که گناه نکرده باشد و «إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا» در صحیحین نیز آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِذَا زَنَّتْ أَمَةٌ أَحَدِكُمْ، فَتَبَيَّنْ زَنَاهَا، فَلْيَجْلِدْهَا الْحَدَّ، وَلَا يُتْرَبْ عَلَيْهَا». یعنی: «اگر کنیزی مرتکب زنا شد و زنایش ثابت شد او را تازیانه بزنید و از سرزنش او خود داری کنید». یعنی بعد از اجرای حد دیگر او را مورد سرزنش قرار ندهد چرا که حد كفاره عملی است که مرتکب شده است».

اما اثبات عمل زنا به طوری که چهار شاهد به طوری توصیف کنند مانند داخل شدن چوب سرمه دانی در سرمه دانی و مسأله عدم وجود شبهه همه و همه می رساند که بیشتر تطبیق حد در جزای حدودی مانند یک ترساندن و توبیخ عام است اما اثبات آن را آنقدر مغلق ساخته که عملاً در مقام همان انزار و ترساندن و تربیه باقی می ماند.

مرحله نهانی در عقوبت زنا:

بعد از طی مراحل فوق پروردگار با عظمت ما حکم و دستور نهائی صادر و راه را مشخص نمود که عقوبت زناکاری که اگر مجرد یعنی غیر متأهل است: (صد دره، شلاق به صورت مقرر و توصیف شده است). و زناکاری که متأهل (ازدواج کرده باشد) بعد از اثبات بلاشبهه به صورت مقرر و حکم محکمه شرعی مشروع، رجم و سنگسار تا مرگ است.

چنانچه گفته آمدیم تعیین اجرای حد تدریجی در عمل زنا که از (آزار، توبه، زندانی شدن در خانه و زدن شلاق و تازیانه، و جزای مرگ با رجم و سنگسار) به این هدف است تا جوامع را از همچو کثافت کاری ها در امان نگاه دارد

و جامعه بشری به سوی عفت و پاکدامنی گام بردارد و این انتقال و ترک عادات فاسد گذشته برای مردم دشوار نباشد و دچار تنگنا و سختی نگردند .

این تعداد از مفسرین که بر تدریج عقوبت حکم زنا استدلال نموده اند به حدیثی که از عباد بن صامت روایت گردیده است استناد می نمایند: « خذوا عنی، قد جعل الله لهن سبیلاً: البکر بالبکر جلد مائة ونفی سنة، والثیب بالثیب جلد مائة والرجم » (احکام دین خود را از من بیاموزید: خداوند عقوبت و جزای زنان زناکار را مشخص و معین فرمود: زنی که ازدواج نکرده است با مردیکه ازدواج نکرده است جزای شان یکصد ضربه شلاق يك سال تبعید است و جزای زناي زنی که ازدواج کرده باشد با مردی که ازدواج کرده باشد جزای شان یکصد ضربه شلاق و اعدام با سنگسار کردن است). البته این حکم شامل مردان نیز هست یعنی کیفر زناي مرد ازدواج ناکرده یکصد ضربه شلاق و جزای مرد زناکاری که ازدواج کرده باشد یکصد ضربه شلاق و اعدام با سنگسار کردن است.

(بروایت مسلم و ابوداود و ترمذی .)

ومن الله التوفيق